



۲۰۱۷/۰۴/۱۰

جلیل غنی هروی

## کنفرانس ماسکو و ستراتیژی پاکستان در افغانستان

قرار است کنفرانسی روز چهارشنبه ۱۲ اپریل یعنی تا دو روز دیگر به اشتراک دوازده کشور در ماسکو برای آنچه روسیه آنرا جست و جوی صلح و ثبات در افغانستان می خواند دایر گردد ولی درین کنفرانس ایالات متحده آمریکا شریک ستراتیژیک افغانستان که از شانزده سال به اینطرف در افغانستان با هراس افگنی می جنگد و ناتو شریک دیگر افغانستان و همچنان طالبان جناح عمده که مسبب اصلی و مجری طرح ها و پلان ها تخریب کننده و عامل قتل صد ها هزار افغان است، اشتراک ندارند. افغانستان و کشور های منطقه به شمول ایران، پاکستان، هند، چین و برخی دیگر درین کنفرانس حضور خواهند داشت. این که از این کنفرانس چه نتیجه ای گرفته میشود و هدف روسیه از پیش قدمی درین راستا چیست سوالی است که خود مورد بحث و ریشه یابی و ارزیابی دقیق است و این دومین کنفرانس ماسکو در تقریباً شش ماه گذشته روی این موضوع است.

ماسکو که اکنون در میدان سیاست نه تنها در افغانستان بلکه در شرق میانه و سایر مناطق قد کشک دارد و بار دیگر می خواهد یکی از بازی کنان فعال عرصه سیاست بین المللی، بعد از فرو پاشی اتحاد شوروی سابقه باشد، با خلی قدرت حاکمه ناشی از اختلافات در رهبری دولت افغانستان و همچنان تغییر حکومت در ایالات متحده می خواهد به کمک مخالفین حضور غرب در رأس ایالات متحده آمریکا در افغانستان و منفعت جویان منظوقی که سالیان درازی است در پی اعمال نفوذ و بهره کشی از منابع سرشار طبیعی افغانستان طرح ها و ستراتیژی های آزمندانۀ شانرا گام به گام با پشتیبانی های مالی، تسلیحاتی، اخلاقی، لوژستیکی .... از گروه های دست نشانده و آوردن فشارهای متنوع بر حکومت های افغانستان تطبیق میکنند، نقش رهبری این گروه ها را ایفا نماید تا از یک جانب انتقام شکست خود را در عرصه نظامی و سیاسی در افغانستان و جهان بگیرد و از جانب دیگر از نفوذ غرب درین منطقه حساس ستراتیژیک جلوگیری کرده باشد.

درین ائتلاف نا خجسته و نا گفته، ماسکو کوشش دارد عناصر و جناح هایی را با خود نزدیک سازد که به نحوی از انجا منافع مشترک دارند چه در رابطه با حضور غرب و نفوذ آن درین منطقه است و چه منافع اقتصادی و سیاسی آنها. تنها مشکلی که شاید ماسکو در آینده درین رهبری با آن مواجه باشد کنار آوردن پاکستان و هند و ائتلاف و یا اتحاد آنها میباشد که گر چه تصور می رود چین بتواند آن دو را با نفوذی که بر منطقه دارد کنار بیاورد ولی در نهایت امر رقابت هند و پاکستان چنان ریشه های عمیق ستراتیژیک دارد که نزدیک شدن شان

تصور شده نمی تواند و درین رابطه نزدیکی هند با افغانستان و روابط حسنه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و منافع ستراتیژیک افغانستان و هند مانع چنین نزدیکی بین هند و پاکستان خواهد بود.

اما در رابطه با پاکستان. این کشور پیش از کودتای ثور و رویکار شدن حزب دموکراتیک خلق و متعاقب آن تجاوز اتحاد شوروی به افغانستان طرحی را زیر عنوان «عمق ستراتیژیک پاکستان در افغانستان» در زمان زمامداری دیکتاتور نظامی جنرال ضیاء الحق تصویب و به حیث رهنمای هر گونه اقدام در رابطه با افغانستان، تحت اجراء گذاشت.

برای تطبیق این ستراتیژی نخست تنظیم های مقیم پیشاور در دوران تجاوز قوای شوروی سابقه بر افغانستان استخدام گردیدند و بعد گروه طالبان. در مورد بر خورد و روش این جریان و یا بهتر بگوئیم دو حکومت بعد از سقوط حکومت نجیب در افغانستان یعنی حکومت تنظیمی از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ و حکومت طالبی از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ مطالب و مقالات زیادی نوشته شده و تحلیل ها و ارزیابی های مفصل صورت گرفته. هر زمانی که «عمق ستراتیژیک پاکستان» گفته میشود بلا درنگ این سوال در ذهن خطور میکند که مفهوم واقعی این «عمق ستراتیژیک» چیست و چه اهدافی در آن نهفته است؟

هیچ مرجعی تا کنون درین زمینه مثل "زید حمید" مبصر سیاسی و مشاور امنیتی پاکستان آنرا ردیف نکرده است: در (سال ۲۰۱۲) ویدیویی از مصاحبه "پریس تی وی" در برنامه فوگس «در زیر ذره بین» با "زید حمید"، مبصر سیاسی و مشاور امنیتی پاکستان، نشر گردید که نقاط نظر (آی اس آی) و در مجموع حکومت پاکستان را در مورد ستراتیژی پاکستان در افغانستان افشاء می سازد که متن صحبت او را بدون کم و کاست و تصرف تقدیم می دارم که اهداف شوم این کشور را، که ممکن است تا کنون نزد بعضی ها آشکار نبوده باشد، برملا می سازد: او میگوید: «یک چیز را باید بدانید که پاکستان از ۱۹۷۵ حتی قبل از روز های تهاجم اتحاد شوروی سابق بر افغانستان (آی اس آی) در افغانستان بسیار فعال بوده است. حقیقت اینست که افغانستان از نگاه تاریخی جزء لاینجزای پاکستان بوده است (؟) تنها لیتیوم نیست، که وادی پنجشیر هم مملو از زمرد است، شبرغان مملو از گاز است ذخایر گاز درین منطقه بی حد زیاد است روس ها از سی سال به این طرف گاز شبرغان را برده اند، لاجورد بدخشان و غیره، لذا تنها لیتیوم نیست و موضوع اینست که افغانستان یک گنج است، یک معدن طلاست که در هر صورت تریلیون دالر در آن نهفته است.

البته موقعیت جغرافیائی آن. همیشه تقلا برای تصرف افغانستان وجود داشته است. چرا اتحاد شوروی آنجا آمد؟ تنها موضوع موقعیت جغرافیائی آن نبود. امریکا به همین منظور آمده است. پاکستان باید سرنوشت خود را بدست خود گیرد. ما اتحاد شوروی را شکست دادیم و توانائی آنرا داریم که امریکا را هم شکست دهیم زیرا راه تدارکاتی از پاکستان می گذرد. شما خوش داشته باشید یا نه، پاکستان منافع بزرگی در افغانستان دارد و این منافع هیچگاهی در تأسیسات امنیتی پاکستان نادیده گرفته نشده است.

اول: اینکه گفته میشود (آی اس آی) در افغانستان مداخله می کند یک اظهار نظر مزخرف است که (آی اس آی) یک منفعت ستراتیژیک در افغانستان دارد، پاکستان منفعت ستراتیژیک در افغانستان دارد و ما همیشه در تماس بوده ایم چون قبایل پشتون در هر دو طرف سرحد زندگی می کنند و طالبان پشتون هستند. (آی اس آی) هیچ نوع تماس قوی با تاجک ها، ازبک ها و هزاره ها ندارد زیرا چنان نژاد های در پاکستان ریشه ندارند.

دوم: کنترل ذخایر مواد سوخت که از نگاه ستراتیژیک درین منطقه واقع شده است .

سوم: کنترل راه های تجاری و بحری مثل مله کند، تنگنای هرمز، کانال سویز و امثال آن.

چهارم: تخریب مفهوم اسلام سیاسی.

پنجم: محاصره و بازسازی روسیه

و ششم: بازسازی چین .

تمام این اهداف ستراتیژیک تنها زمانی بدست آمده می تواند که در افغانستان، قلب آسیای مرکزی، باشید.

سوال: آیا طالبان خوب و بد وجود دارد؟

جواب: از نگاه پاکستان بلی و از نگاه امریکا نه.

از نگاه پاکستان تحریک طالبان پاکستان، گروه شورشی که از طرف (سی آی آی) در روم ایجاد گردید که از افغانستان عملیات می کند و در افغانستان تجهیز می شوند و به پاکستان فرستاده می شوند، از نگاه پاکستان طالبان بد هستند. اینها طالبانی هستند که اردوی پاکستان با آنها می جنگد و در وزیرستان شمالی و جنوبی فعالیت دارند. گروه های بیت الله محسود و حکمت الله محسود و ملا فضل الله.

از نگاه پاکستان طالبان خوب جناح مقاومت افغانستان است که علیه قوای ناتو و امریکائی ها می جنگند نه علیه پاکستان. پاکستان آنها را پشتیبانی نمی کند و علیه آنها هم نمی جنگد.

امریکا می خواهد که پاکستان علیه این طالبان هم به جنگد و این چیزی است که پاکستان مقاومت می کند زیرا پاکستان باید به فکر آینده خود باشد. اتحاد شمال با ایران بسیار نزدیک است و طالبان با پاکستان بسیار نزدیک خواهند بود.

تهدید مشترکی که پاکستانی ها و ایرانی ها از امریکا می بینند این است که حضور هندی ها برای ایرانی ها بسیار ناراحت کننده نیست ولی برای پاکستان بسیار ناراحت کننده است. لذا هر دوی این کشور، پاکستان و ایران، در حالیکه به نحو دو جانبه موافقه داریم که نقش ستراتیژیک در افغانستان داشته می توانیم، لذا باید امریکائی ها در حالیکه می خواهند آبرومندان از افغانستان خارج شوند، نه تنها با طالبان بلکه با پاکستان و ایران هم مذاکره کنند.»

(( تو خود حدیث مفصل از این نمط بر خوان ))

تبصره: اینست آنچه بار ها گفته شده و در چندین مقاله اینجانب و دیگران از چنین سیاستی و نیاتی که پاکستان آنرا «عمق ستراتیژیک» میخواند یاد آوری گردیده است. این اظهارات "زید حمید"، مبصر سیاسی و مشاور امنیتی پاکستان نیات واقعی و حقیقت سیاست و روش پاکستان را در برابر افغانستان نشان می دهد. پاکستان هنوز هم چنین سیاستی را با تمام قوت و نیرنگ و خدعه و فریب و سماجت پیروی میکند و نه تنها حکومت ضعیف افغانستان را با تحت فشار گرفتن های سیاسی، اقتصادی، و نظامی وادار ساخته است تا به قول این آقا با (طالبان خوب) همان هایی که با حکومت افغانستان می جنگند، به میز مذاکره به نشیند بلکه حامیان منطقی و جهانی افغانستان را مثل امریکا و چین هم وادار ساخته است که براین خواسته پاکستان صحه بگذارند و آنها نیز بر مذاکرات مستقیم با طالبان تاکید نمایند. همان طالبانی که پاکستان آنها را طالبان خوب! می خواند و در برابر افغانستان آنها را تنظیم، تربیه، تجهیز و بسیج می کند و از کشتن هیچ افغانی چه زن و چه مرد چه کودک و چه جوان و چه پیر و چه معلول و معیوب دریغ نمی کنند و روزی نیست که شاهد اشک ریزی عده ای یتیم و بیوه زن نباشیم. حالا اینکه چنین مذاکراتی نتیجه خواهد داد و یا نه؟ سوالی است که تعداد اندکی می توانند با در نظر

داشت چنان نیاتی که پاکستان دارد و از آن آگاهی دارند، به آن خوش بین باشند. اما از سال ۲۰۱۲ تا کنون نه تنها اوضاع افغانستان تغییر کرده و حکومت دیگری رویکار است. موقف جهان مخصوصاً ایالات متحده آمریکا و ناتو در برابر پاکستان نیز تغییر کرده و از مبارزه صادقانه و جدی در برابر تروریسم و از بین بردن لانه های تروریستی در پاکستان به این کشور هشدار میدهند، زلمی خلیزاد یکی از سیاستمداران عمده و آگاه در مسایل منطقه به خصوص افغانستان و پاکستان که نقش عمده ای در ایجاد نظام نوین در افغانستان داشته، هم هشدار داده است که «پاکستان مثل کوریای جنوبی یک کشور دارای بم ذروی ولی منزوی خواهد بود»، سه سناتور امریکائی جمهوریخواه و یک سناتور دموکرات که در هفته دوم جولای ۲۰۱۶ پس از سفر به پاکستان از کابل دیدن نمودند در یک کنفرانس مشترک مطبوعاتی در کابل هشدار دادند که شبکه حقانی و سایر شبکه های دهشت افگنی که در پاکستان هستند باید از بین برده شوند. در چنین شرایط و اوضاع و تغییری که در پالیسی های افغانستان و جهان در برابر پاکستان رونما گردیده رویای نامطلوب و منفور پاکستان برای حاکمیت بر افغانستان و تسلط بر این کشور و تمام داشته های زیر زمینی آن که آنرا "زید حمید"، مبصر سیاسی و مشاور امنیتی پاکستان «طلا» خوانده است خوابی و خیالی بیش نخواهد بود.

پایان

